



گفت‌وگو با غلامرضانامی درباره اهمیت مجموعه‌داری

بازار هنر تجسمی بی‌ضرر است

شهرزاد رویانی:

شهرزاد رویانی: در سال‌های اخیر اهالی هنر تجسمی سعی بر ایجاد آگاهی و اشتیاق مردم از طریق رسانه، مطبوعات و حراج در جهت خریدوفروش آثار و شناخت ارزش مجموعه‌داری داشته‌اند؛ اما علم انتخاب اثر و حضور در این وادی در اختیار و امکان هر سرمایه‌دار یا علاقه‌مندی نیست. بسیاری از مواقع کسانی پیشنهاد خرید آثار از هنرمندی خاص را می‌دهند که از فضا در آن شرایط بازار بسیار شکوفا و در اوجی دارد؛ اما این اوج به دلیل نبود پشتوانه هنری مناسب، منجر می‌شود ارزش مادی اثر به‌سرعت فروکش کند. مشاوره هنری در مجموعه‌داری باید به صورت منطقی انجام شود. غلام‌رضا نامی، هنرمند و کارشناس آثار هنرهای تجسمی است که در سال‌های فعالیت خود با نهادهایی مانند تالار رودکی، تالار وحدت و موزه هنرهای معاصر در سمت مدیریتی و مشاور هنری همکاری داشته و در سال‌های اخیر کارشناس هنری موزه بانک پاسارگاد بوده است. نامی به دلیل همکاری خود با معتبرترین مجموعه‌داران هنر تجسمی در طول سال‌ها رویکردهای مختلفی از مجموعه‌داران را در این حوزه دیده و شرح می‌دهد. او از راه‌های عجیب و متفاوت بعضی مجموعه‌داران در پنهان کردن آثارشان تا سوددهی بالا در پی انتخاب درست اثر، صحبت‌های خواندنی را باژگو می‌کند. نامی دانستن اصول این مسیر را گامی مهم و اقدایی لازم برای حفظ مجموعه‌داری و تاریخ هنر می‌داند و از آسیب‌های ناآگاهی مجموعه‌دار به هنر و سرمایه توضیح می‌دهد.

◆ چه چیزی باعث شد به هنر و البته کارشناسی مجموعه‌داری هنری علاقه‌مند شوید و به گردآوری آثار هنری بپردازید؟

همیشه به هنر تجسمی علاقه‌مند بوده‌ام. در سال‌های منتهی به انقلاب در تالار وحدت‌کار می‌کردم و سپس به استخدام وزارت ارشاد درآمدم. بعد از تأسیس مرکز هنرهای تجسمی، ریاست بخش نمایشگاه‌ها را بر عهده گرفتم. به مرور سمت مشاور موزه هنرهای معاصر و موزه پاسارگاد را بر عهده گرفتم و کارشناسی برای آثار مجموعه‌داری را انجام دادم.

◆ چقدر کلکسیونری را شغل یا حرفه در نظر می‌گیرید و اساسا آن را کار به معنای سرمایه‌گذاری می‌دانید و چقدر آن را بر اساس یک تفریح و سرگرمی نگاه می‌کنید؟

مجموعه‌داری به سه دسته‌بندی تفکیک می‌شود؛ مجموعه‌داری بر اساس سود و نگاه اقتصادی، مجموعه‌داری بر اساس نگاه هنری و لذت‌بصری، مجموعه‌داری که بر اساس سلیقه، آگاهی و در نهایت ارزش اقتصادی با مشاوره

اهمیت مجموعه‌داری بر آثار مدرن



الناز وحیدفتحی

در گستره مبحث خریدوفروش اثر هنری یا در تعریف دقیق‌تر آن بازار هنر، هنرمند، گالری و خریداران آثار هنری وجود دارند. نیم‌بیشتری از این خریداران آثار مجموعه‌دارانی هستند که به جمع‌آوری آثار هنری علاقه دارند و معمولا آثار درخورتوجهی از هنرمندان در مجموعه‌های خود جمع‌آوری کرده‌اند. برای مجموعه‌دار همیشه این امکان وجود دارد که بتواند آثار خود را به نمایش گذاشته و در نهایت به فروش برساند. بسیاری از این آثار از طرف گالری‌ها به فروش می‌رسند و نیمی هم در حراجی‌ها قابل فروش هستند. دراین‌میان خود هنرمند یا گالری که همان اثر را به فروش می‌رساند، در ارزش‌گذاری اثر مؤثرند. به‌طور دقیق، به اندازه تمام نهادهای هنری امثال بنیادهای هنر و موزه‌ها و گالری‌ها یا اشخاص مجموعه‌دار هنر وجود دارد که بازار هنر را شکل می‌دهند.

اگر از مبحث علاقه به جمع‌آوری اثر هنری بگذردیم، اهمیت مجموعه‌داری به ارزش اثر هنری بازمی‌گردد؛ یعنی برای یک مجموعه‌دار علاوه بر اینکه به یک اثر علاقه دارد، اما ارزش یک اثر و آینده آن اثر هم مهم و درخورتوجه است. درواقع هنری امثال بنیادهای هنر و موزه‌ها و گالری‌ها یا اشخاص مجموعه‌دار هنر وجود دارد که بازار هنر را شکل می‌دهند. اگر از مبحث علاقه به جمع‌آوری اثر هنری بگذردیم، اهمیت مجموعه‌داری به ارزش اثر هنری بازمی‌گردد؛ یعنی برای یک مجموعه‌دار علاوه بر اینکه به یک اثر علاقه دارد، اما ارزش یک اثر و آینده آن اثر هم مهم و درخورتوجه است. درواقع هنری امثال بنیادهای هنر و موزه‌ها و گالری‌ها یا اشخاص مجموعه‌داران در شناساندن یک هنرمند نقش دارند و با معرفی آن هنرمند به جهان هنر سبب دیده‌شدن هنرمند شده و در نهایت خود نیز مجموعه‌دار همان آثار خواهند شد.

نام‌شان همیشه در مجموعه‌داری ماندگار است.

◆ تا چه حد مشورت برای خرید آثار در نظر مجموعه‌داران اخیر جدی است؟

متأسفانه کمتر شده است؛ یعنی برای مشاوره سراغ کسانی می‌روند که در سطح خودشان یا کمی بیشتر اطلاعاتی دارند، اما کارشناس هنری نیستند. ما در کارشناسی آثار، بازار مطمئن هنرمندان را پیدا می‌کنیم؛ به‌طور مثال حسین کاظمی یا محسن وزیری‌مقدم را تا هشت سال پیش کمتر کسی می‌شناخت، اما امروز آثار این هنرمندان با ارزش مادی بالایی در بازار ارائه می‌شود و اگر خریداری در سال‌های دورتر اثری از این هنرمندان تهیه کرده، به سود مناسبی رسیده است؛ چه مادی و چه معنوی.

◆ مجموعه‌داران در کنار توجه و نگاه به هنر، هنرمندان و آثارشان، چقدر به مطالعه و خواندن از هنر اهتمام دارند. به معنای دیگر چقدر در این حوزه خود را پژوهشگر و مشتاق به دانستن بیشتر آثار می‌دانید؟

طبیعتا در یکی از گروه‌بندی‌های مجموعه‌داران کسانی با دانش هنری و آگاهی نسبت به تاریخ هنر کشورشان فعالیت دارند؛ بقیه نیز گرچه در ابتدا با توجه به لذتی که در جنبه‌های دیگر هست مانند سود اقتصادی وارد این حرفه شده‌اند، اما در ادامه علاقه‌مند می‌شوند و درباره حوزه تجسمی مطالعه می‌کنند.

◆ بعضی مجموعه‌داری را یک خدمت فرهنگی و در راستای حفظ بخشی از تاریخ هنر می‌دانند و عده‌ای آن را در راستای یک سرگرمی طبقه بالادست جامعه در نظر می‌گیرند؛ شما چه نگاهی دارید؟

مجموعه‌داری قطعا یک خدمت فرهنگی است؛ اما باید برای این حرفه پول داشته باشید و به هنر هم علاقه داشته باشید؛ یعنی فرد علاوه بر داشتن دارایی لازم برای خرید اثر، به صورت عمقی نسبت به این حرفه آگاه شده باشد. رسانه، دولت‌مردان و آموزش در این راه نقش دارند. متأسفانه دولت‌مردان قدیم و جدید نسبت به این فضا بی‌توجه بوده‌اند، در نتیجه هنر در سبید خاتوار قرار نگرفته است. جامعه ما مقصر نیست، بلکه چنین مشکلی ریشه فرهنگی دارد. سال‌های قبل نهادهای مختلف به دستور فرح آثاری را می‌خریدند؛ اما در این چند سال اخیر شرایط تغییر کرد. با این‌حال در ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر با توجه به ایجاد بعضی شرایط جدید مانند حضور علیرضا سمیع‌آذر و تشکیل حراج تهران کمی شناخت بیشتری نسبت به این فضا پدید آمد. به‌طور کل آنچه منجر به ورود و ادامه فعالیت افراد در حوزه مجموعه‌داری می‌شود، از چشیدن طعم سود در فروش اثر نشئت می‌گیرد. وقتی فردی اثری را پنج تومان می‌خرد و پنج سال بعد چهار برابر می‌فروشد، قطعا احساس رغبت برای چنین فعالیتی پیدا می‌کند.

◆ مجموعه‌داران تا چه حد به فکر انتشار کتابی از مجموعه‌شان هستند یا با این موضوع توافق نظر دارند؟

متأسفانه افراد بسیار اندکی به این موضوع تمایل دارند. کسانی مانند لیلی گلستان که به اصول هنر آگاهی دارند، کتابی از مجموعه شخصی‌شان چاپ می‌کنند. خانم گلستان با انتشار کتاب از مجموعه‌شان کمک بزرگی به مخاطبان جامعه تجسمی می‌کنند؛ چراکه بخشی از هنر را از یستوی خانه‌شان بیرون می‌کشند و جامعه را از وجود این آثار آگاه می‌کنند. متأسفانه کمتر چنین رویکردی در بین مجموعه‌داران وجود داشته است. چنین اتفاقی باید به صورت خودجوش رقم بخورد و ارزش این کار درک شود. بعضی چنان از دیده‌شدن اثرشان هراس دارند که اثر را در شرایط نامناسب نگهداری می‌کنند؛ به‌طور مثال من کسی را می‌شناسم که آثارش را در کابینت آشپزخانه نگه می‌داشت و اثر در معرض آسیب از طریق حشرات و خیس‌شدن قرار داشت. این برخورد و نگاه از جایی به وجود می‌آید که ما فکر می‌کنیم چون اثری را خریداری کرده‌ایم، پس مالکیت معنوی‌اش را هم به‌طور کامل داریم؛ درحالی‌که اشتباه است. مجموعه‌دار مالک مادی اثر است و هر اثر هنری در نهایت به جامعه تعلق معنوی دارد.

اینکه مجموعه‌دار فقط به بازار فکر کند هم طیفی از مجموعه‌داری محسوب می‌شود؛ اما جمع‌آوری بر اساس دوره یا هنرمندی خاص نیز در بین مجموعه‌داران قدیمی بیشتر مورد توجه بوده است. در کل مجموعه‌دار می‌تواند از همه هنرمندان و کسب‌وکارهای مختلف اثر خریداری کند و بایدی درخصوص تم وجود ندارد؛ اما کارشناسی اثر کمک می‌کند تا آثاری با بازار داغ ووقتی و بهره‌مند از هنر اندک را خریداری نکنند.

◆ به نظر شما مجموعه‌داری یک هنر است؟

هرگز. مجموعه‌دار حامی هنر است و وظیفه‌های به‌مراتب مهم‌تر و مؤثرتر برای هنر دارد؛ اما هنر یعنی خلق اثر و مجموعه‌دار آنچه را خلق شده، می‌خرد و نگهداری می‌کند تا آیدگان نیز از اثر بهره ببرند.

بعضی مثل خانم منیره میرعمادی خودشان هنرمند بودند و به حوزه مجموعه‌داری نیز وارد شدند و یکی از مؤثرترین و بهترین مجموعه‌داران تاریخ هنر تجسمی به شمار می‌آیند و

مطالعه و نام‌بردن از این اسامی برای آن است که سعی و تلاش برای دیده‌شدن آثار مجموعه‌های خود دارند و دیده‌شدن مجموعه‌ها در ارتقای هنر جامعه هنر و همچنین بازار هنر تأثیرگذار است. درصورتی‌که بسیاری از مجموعه‌های نفیس در مجموعه‌های شخصی‌های خریدارانی هستند که هرگز به نمایش درنیامده‌اند و هرگز آنها را در نمایش‌های عمومی ندیده‌ایم.

علاوه بر اینها بخش درخورتوجهی از آثار و حمایت‌فرهنگی آنها با بخش‌هایی مثل بنیادهای هنری است که زمینه‌ای را برای مطالعه و فهم هنر و ارتباط آنها با جریان‌های روز اجتماعی در ایران و جهان ایجاد می‌کنند. این بنیادها در راستای تقویت روابط دین‌المللی و بین‌فرهنگی از طریق همکاری با دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی- هنری معتبر فضایی برای معاشرت و همکاری هنرمندان با مردم و مجموعه‌داران و نمایشگاه‌گردان‌ها ایجاد می‌کنند. از این‌بین می‌توان به بنیاد لاجوردی یا بنیان‌گذاری احسان لاجوردی و بنیاد پژمان یا بنیان‌گذاری حمیدرضا پژمان اشاره کرد که خود در شناساندن آثار هنرمندان معاصر نیز فعالیت داشته‌اند. در سایر نقاط جهان بنیادهای بسیاری هستند که مجموعه‌های آثار هنری خود را به نمایش می‌گذارند که بخش بسیار این عملکرد ناشی از مالیات وارده بر آثار است که با عمومی‌کردن این مجموعه‌ها و بیشتر به منبای علاقه نمایش و عمومی‌سازی مجموعه‌ها شکل می‌گیرد.

مجموعه‌داری صرفا از روی علاقه بر انباشته‌کردن آثار هنرمندان در پستو شکل نمی‌گیرد، بلکه دورنمای یک اثر هنری در بازار هنر هم حائز اهمیت است. در واقع این عمومی‌سازی مجموعه‌ها مانند مجموعه‌داران دوران مدرن است که یک روند تاریخی در هنر را شکل داده و این روند امروزه هم ادامه دارد و قسمت بزرگی از اقتصاد هنر با عملکرد مجموعه‌داران رقم می‌خورد.

نگاری گردی

یادداشتی درباره مجموعه‌داری در هنر تجسمی

چون و چرای سرمایه‌گذاری در هنر



دلارام عسگری

امروزه کمتر کسی از اهمیت سرمایه‌گذاری‌های مالی در بازارهای با بازده مناسب در شرایط تورمی مانند کشور ما که با کاهش مداوم ارزش پول همراه است، بی‌خبر است. اگر در چنین شرایطی افراد وجوه مازاد خود را در بازارهای مولد سرمایه‌گذاری کنند، ضمن کسب بازدهی مطلوب و حفظ ارزش دارایی‌های شخصی خود، به رشد اقتصادی نیز کمک کرده و مانع از افزایش بیش‌ازپیش نرخ تورم می‌شوند.

این در حالی است که در کشور ما در چنین شرایطی اکثر افراد سراغ بازارهای سرمایه‌گذاری مانند طلا، دلار و مسکن یا فعالیت در بازار بورس می‌روند که انتخاب هریک از این بازارها معمولا بسته به میزان آشنایی و تجربه گذشته سرمایه‌گذاران، میلخ سرمایه موجود و قدرت نقدشوندگی در بازار مورد نظر صورت می‌گیرد؛ اما از نگاه کلان انباشت سرمایه‌ها و افزایش تقاضا در برخی از این بازارها ممکن است منجر به دامن‌گیرترشدن معضلات اقتصادی شود.

حال اگر در این شرایط بخواهیم به بازارهای مولد جدیدی برای سرمایه‌گذاری بیندیشیم، کدام بازار می‌تواند برای سرمایه‌گذاری مناسب‌تر باشد؟

یکی از این بازارها بازار هنر است. در تمام دنیا استفاده از کالاهای هنری به‌عنوان سرمایه، روزبه‌روز در حال افزایش بوده و تبدیل به یک جریان اقتصادی پرقدرت شده است و همان‌طور که در حراج‌های مطرح دنیا مشاهده می‌شود، از هنر به‌عنوان ابزاری جذاب برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود که این سرمایه‌ها درعین‌حال هم ارزش فرهنگی می‌آفرینند و هم ارزش اقتصادی، درحالی‌که سرمایه‌های سنتی فقط ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند؛ به بیان دیگر سرمایه‌گذاری فرهنگی را می‌توان آشکارا متمایز از دیگر انواع سرمایه‌ها دانست؛ چراکه هم دارای منافع مادی و هم غیرمادی برای صاحبان خود است.

اما به‌کارگیری هنر به‌عنوان سرمایه چه مزایایی دارد؟

شاید این موضوع در رسانه‌ها توجه شما را جلب کرده باشد که افراد ثروتمند در سراسر دنیا به خرید آثار هنری با قیمت‌های بسیار بالایی می‌پردازند؛ اما علت چیست؟ دلیل این اتفاق ویژگی‌های خاص بازار هنر است؛ چراکه خرید آثار هنری درعین‌حال که احساس وجد و خشنودی از دارا بودن یک اثر هنری را در شما زنده می‌کند، درعین‌حال باعث تنوع در سبد سرمایه‌گذاری شده و ریسک شما را کاهش می‌دهد؛ چراکه اگر انتخاب آثار هنری به‌درستی صورت گیرد، قیمت آثار هنری در طول زمان رو به افزایش بوده و خیلی تحت تأثیر هیجانات و نوسان‌های دیگر بازارهای مالی قرار نمی‌گیرد و می‌تواند روش امنی برای سرمایه‌گذاری در بلندمدت باشد.

درعین‌حال در همه جای دنیا خریداران آثار هنری به‌عنوان حامیان هنر نسبت به سرمایه‌گذاران سایر بازارها از جایگاه و شان اجتماعی بالاتری برخوردار می‌شوند و میراث ارزشمندتری را نیز برای فرزندان خود به یادگار می‌گذارند. از طرفی معمولا از معافیت‌های مالیاتی یا امتیازات گمرکی برخوردار می‌شوند که منجر به جذاب‌ترشدن این بازار برای سرمایه‌گذاران شده است. همچنین مطالعات نشان می‌دهد بازار هنر در شرایط رکودی باز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد و نسبت به سایر بازارها کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ مانند حراج تهران که در شرایط کرونا یا تحریم‌های اقتصادی به فعالیت خود ادامه داد و حتی رکورد فروش‌های پیشین خود را نیز شکست.

در شرایط تورمی نیز از آنجایی که دولت‌ها برای کنترل قیمت کالاهای ضروری، از قیمت‌گذاری دستوری استفاده می‌کنند، بازارهایی مانند بازار هنر برای سرمایه‌گذاری مناسب‌تر هستند؛ چراکه معمولا از قیمت‌گذاری دستوری مصونیت بیشتری داشته و با افزایش قیمت همچنان تقاضای نسبی خود را حفظ می‌کند.

سرمایه‌گذاری هنری در ایران

اگرچه امروزه آثار هنری در همه دنیا به‌عنوان یک کالای مهم برای سرمایه‌گذاری جایگزین کالاهای سنتتی‌تر شده است، اما در کشور ما با وجود ظرفیت‌های بسیار بالای هنری، همچنان نقش سرمایه‌ای هنر بسیار کم‌رنگ بوده و حتی در میان اقشار پردرآمد، تقاضا برای هنر پایین است. یکی از دلایل این مسئله به عدم فرهنگ‌سازی مناسب بازمی‌گردد که منجر شده است با نگاه سنتی به آثار هنری بیشتر به دید کالای تزئینی نگاه شود تا به‌عنوان یک کالای سرمایه‌ای و همین امر بر تابع سلولیت مصرف‌کنندگان اثرگذار بوده و منجر شده است در شرایط تورمی و با وجود مشکلات اقتصادی، بازار هنر نادیده گرفته شود؛ درحالی‌که در این شرایط می‌توان آثار هنری را به‌عنوان ابزاری مناسب برای سرمایه‌گذاری به کار گرفت. البته رویدادهایی مانند حراج تهران و انتشار آمار فروش آن در سال‌های اخیر منجر به آشنایی بیشتر افراد با ارزش سرمایه‌های هنر شده است، اما باید تلاش‌های بیشتری در این زمینه صورت گیرد.

دیگر اینکه در کشور ما ارزش صنایع دستی و هنرهای سنتی مانند نگارگری شناخته‌شده‌تر هستند تا هنر مدرن، بنابراین افراد به علت ناآشنایی با این سبک‌های هنری و ناآگاهی از جایگاه این‌گونه آثار در دنیای هنر، به ارزش این نوع از هنر در بازارهای بین‌المللی که یکی از فاکتورهای مهم در انتخاب برای سرمایه‌گذاری هنری است، واقف نیستند و این امر منجر به عدم اقبال درخور به بازار هنر مدرن شده است.

نکته دیگر پیچیدگی‌های بازار هنر است؛ چراکه انتخاب هنرمند، انتخاب اثر، اصالت‌سنجی، ارزش‌گذاری، فروش و مواردی از این قبیل برای خریداران عادی دشوار بوده و به باری متخصصان این حوزه نیازمند هستند.

دراین‌میان نقش متخصصان و نهادهای اجتماعی هنری پررنگ‌تر می‌شود؛ چراکه می‌توانند به وسیله کنش‌های خود و بازتاب آن در جامعه، ارزش هنر و به‌ویژه ارزش سرمایه‌ای هنر را به جامعه شناسانده و با تشویق سرمایه‌گذاران به حضور در این بازار و آموختن الفبای سرمایه‌گذاری در هنر به آنان و همچنین رشد ذائقه هنری مخاطبان و تسهیلگری خرید و فروش آثار هنری وو. در این راه گام بردارند.